

نقد کتاب تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون

مجید صدرمجلس*

چکیده

نوشته پیش‌رو، به‌دنبال معرفی کوتاه جلد نخست تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون، می‌کوشد تا ترجمه فارسی اثر به‌قلم آقای حسن مرتضوی را از دو چشم‌انداز صوری و محتوایی بررسی کند. شایان ذکر است که، علاوه بر بررسی قسمت‌های مقدماتی و پایانی کتاب، بندهایی را از هر دوازده فصل متن اصلی به‌طور تصادفی گزینش کرده و سپس ترجمه را با آن‌ها تطبیق داده‌ایم.

در بررسی صوری به مواردی مانند عنوان کتاب، ترتیب مطالب، و کم و کاستی در ترجمه نگریسته‌ایم. در بررسی محتوایی هم به جنبه‌هایی مانند غلط‌های چاپی، ضبط اعلام، رسایی یا مفهوم‌بودن، و اعتبار ترجمه توجه کرده‌ایم. از توصیه‌های این بررسی، باتوجه به برخی آسیب‌های تشخیص داده‌شده، عبارت است از عنایت بیشتر مترجم محترم به تعالیم فلسفی حوزه یونان باستان، بازنگری متن ترجمه از سوی خود ایشان، و بهره‌گیری از ویراستار متخصص. وجود سهوهای قلمی در کار ترجمه امری است ناخواسته و هر متنی که ترجمه شود کم‌وبیش دچار آن‌ها خواهد بود، همان‌طور که خود نوشته اصلی به‌عنوان کار بشری از چنان سهوهای پیراسته نیست. اما هرگونه کوشش برای برطرف‌ساختن آن سهوها و رساندن آن‌ها به کم‌ترین میزان ممکن احساس وظیفه اخلاقی و فکری مترجمان درقبال نویسندگان و خوانندگان متن ترجمه‌شده را نشان می‌هد.

کلیدواژه‌ها: ترجمه فارسی، تاریخ فلسفه، جلد نخست تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون، حسن مرتضوی.

* استادیار گروه فلسفه، دانشگاه تبریز، sadremajles@tabrizu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۰۱

۱. مقدمه

ترجمه امر خطیری است و ترجمه آثاری که جنبه نظری و محض دارند به مراتب دشوارتر است. آثار مربوط به تاریخ فلسفه گاهی ممکن است در مراکز آموزش عالی به عنوان متون آموزشی به کار گرفته شوند و لذا توجه به ارائه ترجمه‌ای حتی المقدور معتبر و روان از آن‌ها باید مدنظر مترجمان باشد. پیش‌ازاین چند نمونه از ترجمه تاریخ فلسفه‌ها را دیده‌ایم که از جمله در زمینه فلسفه غرب می‌توان به تاریخ فلسفه غرب اثر برتراند راسل، تاریخ فلسفه امیل بریه، تاریخ فلسفه کاپلستون، و تاریخ فلسفه باستان نوشته گاتری اشاره کرد. در میان آثار نام‌برده، دست‌کم بعضی از جلدهای اثر سوم هم‌اکنون به عنوان متون آموزشی استفاده می‌شوند. دیگر آثار نیز، به‌ویژه موارد دوم و چهارم، جزء منابع معتبر و دانشگاهی‌اند.

دوره ده‌جلدی تاریخ فلسفه راتلج (*Routledge History of Philosophy*) نیز یکی دیگر از آثار مربوط به حوزه تاریخ فلسفه غرب است که از سال ۱۳۹۰ تاکنون شش مجلد آن به زبان فارسی ترجمه شده است. البته مترجمان متعددی در انجام این مهم دست داشته‌اند.

نوشته حاضر، ضمن معرفی اجمالی جلد نخست تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون، ترجمه فارسی آن به قلم آقای حسن مرتضوی را بررسی می‌کند. در بررسی صوری به مواردی مانند عنوان کتاب، تنظیم و ترتیب مطالب، و کم و کاستی در ترجمه نگریسته‌ایم. در بررسی محتوایی هم به جنبه‌هایی مانند غلط‌های چاپی، ضبط اعلام، یک‌دست‌بودن ترجمه اصطلاحات، رسایی یا مفهوم‌بودن، و اعتبار ترجمه توجه کرده‌ایم. افزون‌بر قسمت‌های آغازین (مانند صفحات عنوان و شناسه کتاب، فهرست، مقدمه ویراستار جلد نخست، معرفی نویسندگان، و گاه‌شماری) و قسمت‌های پایانی (واژه‌نامه، فهرست منابع، و نمایه‌ها)، گفتنی است که بندهایی را به‌طور تصادفی از هر دوازده فصل متن اصلی برگزیده و سپس ترجمه فارسی را با آن‌ها تطبیق داده‌ایم.

هر مورد از بررسی را با شماره‌ای که نظم بیش‌تری به مطالب می‌بخشد مشخص ساخته‌ایم. حُسن دیگر این کار هنگامی هویدا می‌شود که بخواهیم به مطالب ارجاع دهیم. لازم است یادآور شویم که برای سهولت اغلب کلمه «ترجمه» را به معنای «ترجمه فارسی اثر» و «متن اصلی» یا «اصل» را به معنای «متن اصلی انگلیسی» به کار برده‌ایم. حروف س، ص، و ش به ترتیب معادل سطر، صفحه، و شماره به کار رفته‌اند.

در بررسی خویش کوشیده‌ایم به حوزه سلیقه‌های شخصی وارد نشویم، بلکه به مواردی چون محدودیت‌ها و اختیارات مترجم در کار خویش نظر داشته باشیم. به‌زعم برخی گاهی ممکن است مترجم، بدون رعایت محدودیت‌های کار، ترجمه کند که در این صورت می‌توان از تعبیر درست یا نادرست در بررسی کار بهره برد. گاهی نیز ممکن است مترجم از اختیارات خویش در ترجمه استفاده مناسبی برد، ولی ترجمه از رسایی و ویژگی تفاهم خوب میان نویسنده با خواننده برخوردار نباشد. در این صورت در بررسی می‌توان از تعبیری چون رسایی یا نارسایی بهره برد (صفوی ۱۳۷۱: ۶۶). این جا کوشش شده است تا حد ممکن به رسم اعتدال رفتار کنیم و نکاتی را که شایسته کارهای پژوهشی است سرمشق بگیریم. در این بررسی محدود، که حدود چهارپنجم آن بر پایه گزینش تصادفی از دوازده فصل متن اصلی بوده است، فقط به نتایجی که نشان‌دهنده وضعیت نسبی کار است رسیده‌ایم. باشد که مفید افتد. شایان ذکر است که از آن‌جا که نگارنده در نوشته دیگری نیز ترجمه فارسی جلد نخست تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون به قلم آقای حسن فتحی را بررسی می‌کند، طبیعی است که برخی نکته‌های مقدمه و معرفی در هر دو مقاله همانند هم‌اند.

۲. معرفی متن اصلی تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون (جلد نخست)

دوره ده‌جلدی تاریخ فلسفه راتلج با ویرایش پارکینسون (G. H. R. Parkinson) و شانکر (S. G. Shanker) طی دهه پایانی قرن بیستم از سوی انتشارات راتلج (Routledge) به چاپ رسید. اصل اثر به زبان انگلیسی است و از کارهای نوین و مهم در باب فلسفه غربی به‌شمار می‌رود که جمعاً در ده مجلد دوره کاملی از تاریخ تفکر فلسفی را از آغاز (یونان باستان) تا دوره معاصر در بر می‌گیرد. هر جلد از این مجموعه یک یا دو ویراستار ویژه نیز دارد. جلد نخست این مجموعه با ویرایش سی سی دبلیو تیلور (C. C. W. Taylor) در سال ۱۹۹۷ چاپ شد. ویراستار نام‌برده که اهل فن است یک فصل از کتاب را نیز نگاشته است. عنوان فرعی جلد نخست تاریخ فلسفه از آغاز تا افلاطون است و خود نشان‌دهنده آن است که طی بخش‌های دوازده‌گانه آن برهه‌ای تقریباً ۲۵۰ ساله از تفکر فلسفی و علمی دوره یونان باستان بررسی می‌شود.

پیش از آغاز متن اصلی، قسمت معرفی اجمالی متخصصان مشارکت‌کننده در تألیف کتاب را شاهدیم و سپس گاه‌شماری (chronology) مناسب و مفیدی آمده است که امکان سیر اجمالی حوادث مهم سیاسی، اجتماعی، فلسفی، علمی، و هنری برهه موردبحث را

فراهم می‌سازد. بعد از گاه‌شماری، چند صفحه‌ای هم به بیان فهرست منابع دست‌اول اختصاص یافته است که از فیلسوفان باستان برجای مانده است.

هریک از فصل‌های کتاب به‌قلم متخصصان اهل فن نوشته شده است و براین‌اساس هر فصل قسمت‌های یادداشت و کتاب‌شناسی ویژه خودش را دارد. فصل نخست از جهات دینی، اجتماعی، سیاسی، و مانند آن به بحث عمومی درباب سنت یونانی و دولت‌شهر (polis) می‌پردازد. فصل هشتم نیز به بحثی اجمالی از علوم ریاضی (حساب و هندسه) و نجوم و موسیقی اختصاص یافته است. ده فصل دیگر، به‌فراخور اهمیت متفکران، آرای فیلسوفان را تبیین و بررسی می‌کند، به‌طوری‌که سه فصل پایانی کتاب (فصل‌های ۱۰-۱۲) آرای افلاطون را بررسی می‌کند.

افزون‌بر آن‌چه گفته شد، در پایان کتاب بخش واژه‌نامه (Glossary) وجود دارد که به توصیف برخی اصطلاح‌های مهم و تخصصی در متن کتاب اختصاص دارد و از این لحاظ برای خوانندگان مفید است. در ادامه سه مورد نمایه (Index) آمده است که به‌ترتیب عبارت‌اند از نمایه عنوان‌ها یا مطالب واقع در متن، نمایه محل اقوال فیلسوفان در هر یک از آثار برجای‌مانده فلسفی، و سرانجام نمایه نام‌های خاص.

شایسته درنگ است که امروزه در غرب بیش‌تر به نگارش آثاری در تاریخ فلسفه توجه می‌شود که توسط عده‌ای از متخصصان نوشته می‌شوند. افزون‌بر تاریخ فلسفه راتلج، برای نمونه می‌توان به آثار دیگری چون تاریخ فلسفه اسلامی با ویرایش الیور لیمن و سیدحسین نصر اشاره کرد که در ایران نیز ترجمه و چاپ شده است. به‌نظر می‌رسد چنین رویکرد تخصصی به تاریخ فلسفه محاسن یا معایب ویژه خود را دارد. اما چنین آثاری در بررسی و تحلیل مباحث از عمق بیش‌تری برخوردار خواهند بود.

ترجمه تاریخ فلسفه‌هایی که کار مشترک عده‌ای از اهل فن است اطلاعات تخصصی درخور کار می‌طلبد و لذا به‌نظر می‌رسد، همانند اصل اثر، نه‌تنها بایسته است که اهل تخصص به ترجمه آن برخیزند، بلکه شایسته است که مترجمان متعددی در آن دخیل باشند.

البته دانش تخصصی درزمینه فلسفه یونان باستان، آگاهی از تلفظ، و نقل لغات یونانی باستان، بازخوانی و بازنگری ترجمه، بهره‌مندی از ویراستار، تسلط به زبان‌های مبدأ و مقصد، و توجه به محدودیت‌ها و اختیارات در امر ترجمه جزء لوازم اصلی کار در ترجمه چنین آثاری است. طبعاً بودن یا نبودن آن ملاحظات ناخواسته در محصول کار مترجم تأثیر خواهد داشت.

۳. بررسی صوری ترجمه فارسی تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون

چنان‌که پیش‌ازاین اشاره شد، در بررسی صوری به مواردی مانند عنوان کتاب، تنظیم و ترتیب مطالب، کم و کاستی در ترجمه توجه کرده‌ایم.

۱.۳ عنوان اثر و ترتیب مطالب در ترجمه

ترجمه فارسی اثر نام‌برده نخستین‌بار در سال ۱۳۹۰ از سوی نشر چشمه منتشر شد. مشخصات اثر طبق روی جلد به‌صورت ذیل است:

- تاریخ فلسفه راتلج،

- جلد یکم، از آغاز تا افلاطون

- ویراستار: سی سی تایلور، ترجمه حسن مرتضوی

کتاب در قطع کوچک با جلد ضخیم، در ۷۸۰ صفحه و ۲۵ سطر در هر صفحه، ترجمه‌ای از همه متن اصلی را در بر دارد. ترجمه اثر بدون هم‌کاری مترجمی دیگر یا ویراستار انجام شده و مترجم محترم نیز هیچ مقدمه یا توضیحی بدان نیفزوده است. چنان‌که پیداست، عنوان ترجمه با عنوان اصل مطابقت دارد و به‌سادگی نشان می‌دهد که اثر پیش‌رو نویسنده یا نویسندگانی غیر از ویراستار دارد. البته نام ویراستار بدون ذکر حرف مخفف دلبیو آمده است؛ نام ایشان در متن اصلی به‌صورت C. C. W. Taylor ضبط شده است، اما در صفحه شناسه ترجمه نام ویراستار دو بار به‌صورت کامل تیلور، کریستوفر چارلز ویستن درج شده است. از سوی دیگر در صفحه‌های ۵، ۸ و ۱۴ نام ویراستار به‌صورت س. س. و. تایلور ضبط شده است. بدین ترتیب شاهدیم که نام ویراستار در عنوان یا متن ترجمه با اندکی تفاوت ضبط شده است، حال آن‌که اساساً در مورد اسامی خاص همیشه یک‌دستی در ثبت باید مدنظر باشد.

صفحات قسمت «گاه‌شماری» در متن اصلی به‌صورت چهار ستون در یک صفحه آمده است، به‌طوری‌که امکان تطبیق حوادث هر چهار ستون با هم دیگر به‌راحتی مقدور است. اما در ترجمه احتمالاً به‌دلیل کوچکی قطع کتاب در هر صفحه دو ستون آمده است و لذا به‌راحتی امکان تطبیق همه حوادث وجود ندارد. در ترجمه ابتدا دو ستون ۱. سیاست و مذهب و ۲. هنر و سپس دو ستون دیگر ۳. علم و فناوری و ۴. فلسفه می‌آید. بدین ترتیب تقریباً هر صفحه از قسمت گاه‌شماری در متن اصلی طی سه چهار صفحه از متن ترجمه درج شده است.

همه مطالب کتاب به همان ترتیبی که در متن اصلی است در ترجمه فارسی آمده است و تنها در یک مورد ترتیب مطالب ترجمه با ترتیب مطالب اصل هم‌خوانی ندارد. در متن اصلی، پس از قسمت گاه‌شماری، قسمتی به نام فهرست منابع (ص ۲۲۴-۲۲۶، List of Sources) آمده است که همین قسمت در متن ترجمه به اواخر کتاب یعنی صفحات ۷۶۱-۷۶۵ برده شده است. شایان ذکر است که این فهرست منابع اصلی را که از خود فیلسوفان به شکل کتاب یا پاره‌های باقی‌مانده از کتاب‌هاست در بر دارد. مترجم محترم فهرست نام‌برده را بدون ترجمه در متن فارسی درج کرده‌اند.

در پایان متن اصلی، سه نمایه (Index) آمده است که به ترتیب عبارت‌اند از نمایه عناوین یا موضوعات (ص ۴۶۶)، نمایه محل اقوال فیلسوفان (ص ۴۷۳)، و نمایه نام‌های خاص (ص ۴۸۸). اما در متن ترجمه، تنها با یک نمایه (ص ۷۶۷-۷۷۷) روبه‌رویم که یک‌جا بر اعلام و امکانه مشتمل است.

در متن اصلی، نخستین بند یا پاراگراف هر فصل و هم‌چنین بندهای نخست که ذیل عنوان‌های فرعی آمده‌اند بدون هرگونه تورفتگی آغاز شده‌اند. مابقی بندها با چندین حرف تورفتگی شروع می‌شوند. هرگونه نقل قول مستقیم در متن اصلی با حروف هم‌اندازه حروف معمولی متن ثبت شده است. حاشیه‌چپ همه سطرهای آن نقل قول‌ها با تورفتگی هم‌راه است و بلافاصله پس از نقل قول نیز مأخذ آن درج شده است. در ترجمه فارسی نیز همه این موارد رعایت شده است و حتی نقل قول‌ها، برای آسانی در تشخیص، با حروف ریزتری از حروف متن چاپ شده‌اند.

در متن اصلی با دو گونه شماره‌گذاری صفحات روبه‌رویم: ۲۶ صفحه مقدمات با اعداد لاتین (I, ii, iii-xvi) و بقیه متن که از مقدمه ویراستار آغاز می‌شود با اعداد انگلیسی از رقم یک (۱) شماره‌گذاری شده است. اما متن ترجمه از همان ابتدا بدون تفکیک مقدمات از بقیه مطالب از نخستین برگ دارای شماره محسوب شده و نخستین بار در سمت چپ برگ سوم رقم ۶ درج شده است.

یادداشت‌های هر فصل جدا از فصل‌های دیگر است که البته مترجم محترم همه آن‌ها را به‌طور کامل ترجمه نکرده‌اند (بنگرید به بند ۲ از بررسی صوری). بعد از یادداشت‌های هر فصل قسمت «کتاب‌شناسی» آمده است که در ترجمه فارسی به همان صورت متن اصلی درج شده است. داخل متن ترجمه برای یادداشت‌ها دو گونه شماره به‌چشم می‌خورد: نخست شماره‌های بین‌الهالین که روی خط زمینه قرار گرفته و بر یادداشت‌های هر فصل از متن اصلی ارجاع دارند؛ دوم شماره‌های ریزتر که در سمت چپ کلمه‌ها یا عبارت‌ها و

بالاتر از خطوط زمینه آمده‌اند و تماماً بر پاورقی‌های ذیل هر صفحه ارجاع دارند. همه این پاورقی‌های واقع در ذیل صفحات افزوده مترجم محترم است.

۲.۳ یادداشت‌ها و پاورقی‌های افزوده‌شده از سوی مترجم

مترجم محترم در بعضی از صفحات برای توضیح برخی اصطلاح‌ها یا نام‌های خاص یادداشت‌هایی (مانند ص ۲۸-۲۹ مربوط به قسمت گاه‌شماری) و پاورقی‌هایی را داخل متن (مانند ص ۱۴۰، ۲۰۸، ۳۲۶، ۳۴۵، ۳۵۳، و ۴۹۰) افزوده‌اند که به لحاظ آموزشی نکته‌های مفیدی را در بر دارند. البته گفتنی است که همه این موارد با حرف «م» به نشانه «مترجم» مشخص شده‌اند. افزون بر این‌ها، بعضی پاورقی‌ها نیز وجود دارند که معادل‌های خارجی (معمولاً انگلیسی یا یونانی) را به دست می‌دهند. شایان ذکر است پاورقی‌هایی که معادل‌های خارجی را ضبط می‌کنند از سمت چپ آغاز می‌شوند.

در این خصوص فقط یک نقص به چشم می‌خورد و آن نیامدن هیچ‌گونه مأخذ یا مأخذ برای یادداشت‌ها و پاورقی‌های افزوده‌شده است. به نظر می‌رسد لازم بوده است مترجم محترم برای حفظ اصالت کار طی توضیحی منابع یادداشت‌های خویش را درج کنند.

۳.۳ ترجمه ناقص قسمت «یادداشت‌ها» در بعضی از فصل‌ها

هریک از فصل‌های دوازده‌گانه دارای یادداشت‌های اندک یا فراوانی است. به دنبال یادداشت‌ها نیز، قسمت کتاب‌شناسی هر فصل آمده است. درباره ترجمه یادداشت‌ها، گفتنی است که مترجم محترم اولاً به‌طور یک‌دست به ترجمه همه موارد اقدام نکرده و ثانیاً برای این کار شاید ملاک مشخصی نیز مدنظر نبوده است.

درباره نکته نخست می‌توان دید که در فصل‌های سوم: «آناکساگوراس و اتم‌پاورها» با شش یادداشت (ص ۴۱۲-۴۱۳)، پنجم: «امپدوکلس» با یک یادداشت (ص ۳۵۷) و دوازدهم: «افلاطون: زیبایی‌شناسی و روان‌شناسی» با ۸۱ یادداشت (ص ۷۳۵-۷۴۵) همه یادداشت‌ها ترجمه شده‌اند. اما در فصل‌های دیگر، خواه زیاد و خواه کم، برخی یادداشت‌ها ترجمه نشده‌اند. مثلاً در فصل دوم: «ایونی‌ها» از تعداد ۶۰ یادداشت (ص ۱۵۷-۱۶۴)، حدود ۴۰ یادداشت ترجمه نشده است. یا در فصل نهم: «سقراط و آغازگاه‌های فلسفه اخلاق»، از مجموع ۸۸ یادداشت (ص ۵۷۱-۵۸۳)، حدود ۵۵ یادداشت ترجمه نشده است.

در مورد فقدان ملاک مشخص برای ترجمه کردن برخی یادداشت‌ها و ترجمه نکردن برخی دیگر، گفتنی است که نه توضیحی از سوی مترجم وجود دارد و نه می‌توان گفت یادداشت‌های ترجمه نشده فقط ارجاع صرف به منابع بوده‌اند. نگاهی کوتاه به یادداشت‌های ترجمه نشده از دو فصل یادشده در بالا نشان می‌دهد که موارد متعددی از یادداشت‌ها دارای مطالب محتوایی بوده‌اند و باین همه ترجمه نشده‌اند. نیز می‌توان به یادداشت ۴۱ در صفحه ۲۲۲، یادداشت‌های ۴۶، ۴۸، ۴۹، و ۵۰ در صفحه ۲۲۳، و یادداشت‌های ۸۱ و ۸۸ در صفحه ۲۲۶ اشاره کرد که همگی از فصل سوم: «هراکلیت» هستند و ارجاع صرف نیستند.

در مورد قسمت کتاب‌شناسی (Bibliography) هر فصل، به نظر می‌رسد ترجمه ضروری نبوده است و مترجم محترم نیز آن‌ها را به همان صورت در پایان هر فصل آورده‌اند.

۴. نقد محتوایی ترجمه فارسی تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون

در بررسی محتوایی، به موارد ذیل پرداخته‌ایم: غلط‌های چاپی، قرائت و ضبط بعضی لغات یونانی، یک‌دست نبودن ترجمه برخی اصطلاحات، کاربرد برخی کلمه‌های بیگانه و نامأنوس، آوردن برخی معادل‌های خارجی، و وجود برخی کلمه‌ها و عبارت‌ها که نامفهوم یا نادرست ترجمه شده‌اند.

۱.۴ غلط‌های چاپی واقع در ترجمه

در قسمت‌های بررسی شده از کتاب به ندرت غلط‌های چاپی به چشم می‌خورد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. کالج بیربک (ص ۱۴، س ۶) که درست آن کالج بیرک‌بک (Birkbek College) است؛
۲. نام خاص آریستنس (ص ۲۷، ستون فلسفه) که درست آن آنتیستنس (Antisthenes) است؛
۳. در صفحات ۱۷۸ و ۱۷۹ عبارت یا کلمه‌های یونانی آمده است که حروف برخی از کلمات آن‌ها دور از هم دیگر چاپ شده‌اند: gnomai و e thos، e thosanthro op I daimo n؛
۴. اسم خاص Oropheus (پاورقی شماره ۱ از ص ۲۳۶) که درست آن Orpheus است؛

۵. ایزد یونانی هفستائوس (۲ مورد در س ۱۶ از ص ۵۶۰) که درست آن هفایستوس (Hephaestus) است؛
۶. محاوره هپپاس کوچک (۲ مورد در س ۱۳ و ۱۵ از ص ۵۶۳) که درست آن هپپاس کوچک (Hippias Minor) است؛
۷. از قسمت واژه‌نامه: مدخل برهان استعلایی (transcendental argument) (ص ۷۵۰) که درست آن transcendental argument است و مدخل هم‌گن (homoeomerous) (ص ۷۵۹) که درست آن homoeomerous است.

۲.۴ قرائت و ثبت نادرست برخی اعلام یونانی

برای نمونه، در قسمت گاه‌شماری، تعدادی از نام‌های خاص یونانی به‌صورتی نادرست قرائت و ثبت شده‌اند. علت این امر شاید توجه کم به چگونگی انتقال و نگارش کلمات یونانی در زبان انگلیسی باشد. مثلاً حرف یونانی (χ) با تلفظ (خ)، در کلمات یونانی منتقل شده به زبان انگلیسی اکثراً به‌صورت (ch) ثبت و نگارش یافته است. نیز حرف یونانی (υ) با تلفظ (او) در کلمات منقول یونانی، به‌صورت حرف (y) ثبت شده است. لذا اگر بخواهیم نام یونانی Archytas را نزدیک به تلفظ یونانی آن ادا کنیم و بنویسیم، باید به‌صورت آرختاتس ثبت کنیم. هم‌چنین است حرف یونانی (κ) با تلفظ (ک) که در کلمات منقول اکثراً به‌صورت حرف (c) ثبت شده است.

- برخی از این موارد که در ترجمه فارسی نامناسب یا نادرست ثبت شده‌اند عبارت‌اند از:
۱. نام آیسخیلوس (Aeschylus) (ستون هنرها، ص ۲۰) که تلفظ نزدیک‌تر آن به یونانی آیسخولوس است؛
 ۲. نام هیپوکراتس اهل چیوس (Hippocrates of Chios) (ستون علم و فناوری، ص ۲۲) که تلفظ نزدیک‌تر آن هیپوکراتس اهل خیوس است؛
 ۳. عبارت صلح نیسیاس (peace of Nicias) (ستون سیاست و مذهب، ص ۲۳) که تلفظ نزدیک‌تر آن صلح نیکياس است؛
 ۴. نام آلسیبیادس (Alcibiades) (ستون سیاست و مذهب، ص ۲۵) که تلفظ نزدیک‌تر آن آلكیبیادس است؛
 ۵. نام تئودوراس سیرن‌های (Theodorus of Cyrene) (ستون علم و فناوری، ص ۲۶) که تلفظ نزدیک‌تر آن تئودوروس کورنه‌ای است؛

۶. نام آرکیتاس (Archytas) (ستون علم و فناوری، ص ۲۷) که تلفظ نزدیک‌تر آن آرخوتاس است. نام آشینس (Aeschines) (ستون فلسفه، ص ۲۷) که تلفظ نزدیک‌تر آن آیسخینس است.

۳.۴ یک‌دست‌نبودن ترجمه بعضی اصطلاح‌ها

به نظر می‌رسد هنگامی که فضای بحث واحد است یا موضوع بحث درمورد یک فیلسوف است درست‌تر آن است که اصطلاحات به صورت یک‌دست ترجمه شوند، مگر آن‌که دلایل و قرائنی برای ترجمه متنوع موجود باشد. در این خصوص مترجم محترم بعضاً از اصطلاح واحد ترجمه متنوع به دست داده‌اند که به مواردی از آن اشاره می‌کنیم:

۱. در فصل پنجم ذیل عنوان «نظریه عناصر» (ص ۳۱۳)، از دو گونه علت در نظر امپدوکلس بحث می‌شود که مترجم محترم آن‌ها را به ترتیب به philia (عشق، دوستی) و neikos (نزاع، تنفر) (س ۱۱-۱۲، ص ۳۱۹) ترجمه کرده‌اند. معادل‌های این اصطلاحات در متن اصلی (س ۲۷، ص ۱۸۲) عبارت‌اند از «philia (love, friendship)» و «neikos (strife, hate)». اصولاً انتظار می‌رود اصطلاح‌های نام‌برده در بقیه صفحات که از امپدوکلس بحث می‌کنند به صورت یک‌دست ترجمه شوند، در حالی که در ترجمه اصطلاح واحد شاهد تنوع هستیم؛ بدین معنی که از محدوده معانی به دست داده شده در ترجمه philia (عشق، دوستی) و neikos (نزاع، تنفر) بعضاً گرفته نشده است؛ البته ترجمه نادرست نیست، اما کاربرد الفاظ ستیزه‌جویی و ستیزه موجب نوعی دوری از متن است.

الف) در نقل قول پایین صفحه (ص ۳۱۹) کلمه «ستیزه‌جویی» در ترجمه strife (س آخر، ص ۱۸۲ از متن اصلی) آمده است. البته بهتر بود مانند چند سطر پیش به «نزاع» ترجمه شود؛

ب) عبارت «عشق و نفرت» (س ۱۵، ص ۳۲۰) در ترجمه love and hate (س ۱۶، ص ۱۸۳ از متن اصلی)؛

ج) عبارت «عشق و ستیزه» (س ۲۱، ص ۳۲۰) در ترجمه love and strife (س ۲۲، ص ۱۸۳ از متن اصلی) که بهتر بود به «عشق و نزاع» ترجمه شود؛

۲. نمونه دیگری از یک‌دست‌نبودن ترجمه اصطلاح عبارت است از ترجمه کلمه sanction. کلمه نام‌برده طی دو پارگراف از متن اصلی به‌کار رفته و مترجم محترم در ترجمه آن از سه معنای کم‌ویش متفاوت بهره برده است:

الف) عبارت موانع اخلاقی و موانع قراردادی (س ۸ و ۱۱، ص ۴۰۷) در ترجمه عبارت‌های conventional sanctions و the sanctions of morality (س آخر، ص ۲۳۶ و س ۲، ص ۲۳۷ از متن اصلی)؛

ب) عبارت «اصول اخلاقی آسمانی» (س ۱۸، ص ۴۰۷) در ترجمه عبارت divine sanctions (س ۱۰، ص ۲۳۷ از متن اصلی)؛

ج) عبارت‌های «مجازات بیش‌تر» و «مجازات درونی» (س ۶ و ۸، ص ۴۰۸) در ترجمه عبارت‌های further sanction و internal sanctions (س ۲۲ و ۲۳ و ۲۵، ص ۲۳۷ از متن اصلی).

درعین‌حال ضمن همان بند اخیر از متن فارسی (س ۳، ۵، ۶، ص ۴۰۸) عبارت‌های «مجازات‌های آسمانی» و «مجازات آسمانی» را می‌بینیم که در ترجمه عبارت divine punishment (س ۱۹ و ۲۲، ص ۲۳۷) آمده‌اند. به‌نظر می‌رسد، چنین تنوعی باعث آشفتگی متن ترجمه است؛

۳. در قسمت «یادداشت‌هایی درباره نویسنده‌گان» (ص ۱۳-۱۵) نیز ترجمه واحد از دو اصطلاح متفاوت را شاهدیم. در معرفی آ و پرایس (ص ۱۴) عبارت «مدرس در فلسفه» در ترجمه عبارت Lecturer in Philosophy (ص xi از متن اصلی) آمده است و در معرفی مالکوم شوفیلد نیز عبارت «مدرس در فلسفه باستان» (ص ۱۴) در ترجمه عبارت Reader in Philosophy (ص xi از متن اصلی) آمده است. در سنت محافل دانشگاهی غربی، اصطلاح‌های Lecturer و Reader لابد بر دو مقام متفاوت دلالت دارند و نمی‌توان آن دو را یکی گرفت.

باتوجه‌به موارد ذکرشده، اگر هم مترجم محترم استنباط دیگری داشته است، به‌نظر می‌آید ضرورت داشته است بدان اذعان کند.

۴.۴ به‌کاربردن بعضی کلمات یا اصطلاحات خارجی بیگانه و نامأنوس

نمی‌توان ادعا کرد که یک زبان هیچ نیازی به زبان‌های دیگر ندارد و لازم نیست از آن‌ها وام گیرد. اما هنگامی که در زبان فارسی کلمه‌های اصیل فارسی یا کلمه‌های عربی

مناسب است، به نظر می‌رسد مترجمان در به‌کارگیری کلمه‌های خارجی که با فرهنگ جامعه بیگانه‌اند باید دقت و احتیاط بیش‌تری داشته باشند. زبان عربی و بسیاری از کلمات یا عبارت‌های آن، خواه‌ناخواه، بخشی از فرهنگ جامعه ما شده است و از کاربرد آن‌ها ناگزیریم. بهره‌مندی از آن‌ها به‌صورت درست و به‌جا و به‌اندازه مطلوب هم خواهد بود.

در ترجمه تاریخ فلسفه راتلج بعضاً شاهد کاربرد کلمه‌های خارجی بیگانه یا نامأنوسیم که برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

تکنیک (س ۱۴، ص ۱۰)، کلاسیک (س ۱ و ۲، ص ۱۴)، کنترل (س ۳ از پایین، ص ۳۲)، موجودیتی تئوریک (س ۲، ص ۳۳)، فیزیکی و کنترل (س ۲۱-۲۲، ص ۳۳)، جهان پولیس باستانی و کلاسیک (س ۱۳، ص ۴۴)، ایدئولوژی پولیس یونان (س ۵، ص ۴۵)، ایدئال‌کردن (س ۹، ص ۲۳۶)، ایده‌هایی و ایده‌های (س ۱۵ و آخر، ص ۲۳۶)، ریاضیات مدرن و فرمول‌بندی (یادداشت ۴۷، ص ۲۹۸)، تحت کنترل و ساختار ماتریالیستی (س ۱۴ و ۱۹، ص ۳۵۲)، جهان فیزیکی (عنوان واقع در ص ۳۶۳)، از لحاظ تئوریک (س ۲۱ و ۲۴، ص ۳۸۲) و ابژه‌های درک‌شده (س ۱۸، ص ۴۴۹).

از میان آنچه نقل شد، شاید بتوان گفت کلماتی مانند کلاسیک، ایدئولوژی، یا فیزیکی در مواردی جا افتاده‌اند و کاربردشان چندان نامأنوس نیست. حتی چه‌بسا کاربردشان لازم هم باشد تا تفاوت معنی نگه داشته شود (مانند ترجمه the natural world به «جهان طبیعی» (س ۸، ص ۳۶۱) و ترجمه the physical world به «جهان فیزیکی» (عنوان فرعی، ص ۳۶۳). اما برای برخی از کلمه‌های نام‌برده معادل‌های مناسب و جاافتاده‌تری وجود دارد که می‌توان به‌کار برد. البته طبعاً برای راه‌نمایی خوانندگان بهتر خواهد بود که در پاورقی معادل‌های خارجی و بیگانه بیابند. به‌هرحال در مورد لغت‌های به‌کاررفته در بالا وجود معادل‌های رایج و مأنوس که در بیش‌تر موارد به‌نحو خوبی رسا هستند قابل‌انکار نیست: مانند فن / صنعت، متعارف / مرسوم، مهار / مراقبت، نظری / انتزاعی، دولت‌شهر، آرمانی، مثال / رأی / تصور / اندیشه، نوین، تدوین / صورت‌بندی، ماده‌گرایانه و متعلق.

۵.۴. نیابوردن معادل در جایی که آوردن آن لازم است

در بعضی صفحات مشاهده می‌کنیم معادل خارجی که لازم بوده بیاید نیامده است. لازم‌بودن به این دلیل است که خود نویسنده در متن اصلی معادل را به‌دست داده است. البته

بعضی موارد هم هست که بهتر بود خود مترجم معادل آن‌ها را برای روشن‌گری هرچه بیشتر ذهنیت خواننده درج می‌کردند. در زیر به مواردی اشاره می‌کنیم:

۱. مصدر «فلسفیدن» (س ۱، ص ۴۳) که در ترجمه مصدر یونانی philosophien (س ۲، ص ۹) آمده است. در ترجمه، کلمه یونانی نیامده است؛

۲. کلمه «خرد» (سطر آخر، ص ۴۳) که در ترجمه عبارت sophia-wisdom (س ۱۳، ص ۹) آمده است. در ترجمه، هیچ‌یک از کلمه‌های یونانی و انگلیسی نیامده‌اند. ثانیاً درست‌تر آن است که کلمه نام‌برده به حکمت/ خردمندی ترجمه شود؛

۳. نام کتاب چکیده‌های کلمنت (س ۹، ص ۱۴۴) که در ترجمه *Clement Miscellanies* (س ۷، ص ۷۱) آمده است. در ترجمه، به عنوان اصلی کتاب اشاره نشده است. ثانیاً درست‌تر آن است که عنوان کتاب به جُنگ/ گلچین کلمنت ترجمه شود؛

۴. نام کرتون و عبارت بنیاد پان هلنی توری (س ۶-۷، ص ۳۰۹) که در ترجمه *Pan-Hellenismfoundation of Thurii و Croton* (س ۱۳-۱۴، ص ۱۷۶) آمده‌اند. در ترجمه به هیچ‌یک از موارد اشاره نشده است. ثانیاً بهتر آن است که نام به صورت «کروتون» و عبارت به صورت «بنیاد تماماً-یونانی ثوری» ترجمه شود؛

۵. کلمه «دیو» (دو بار، س ۷ و ۱۳، ص ۳۵۲) و نام‌های خاص کیپریس/ آفرودیت (س ۸، ص ۳۵۲) که به ترتیب در ترجمه *daimon* (دو بار، س ۲۳ و ۲۹، ص ۲۰۲) و *Kypris/ Aphrodite* (س ۲۳-۲۴، ص ۳۵۲) آمده‌اند. به هیچ‌یک از معادل‌ها اشاره‌ای نشده است. ثانیاً کلمه دیو در سنت ما ایرانیان بار منفی دارد، به‌ویژه که این بار منفی رگه‌ای از تعالیم زردشتی را نشان می‌دهد که با اهریمن و دیوهای مطیع وی سر مخالفت دارند. بنابراین ترجمه کلمه یونانی *daimon* به دیو، که بار معنایی آن در سنت یونانی موجودات غیرمادی اعم از نیک یا شریر را در بر می‌گیرد، نادرست است. چنان‌که الهه عشق (*Eros*) یکی از دایمون‌هاست و میان ایزدان اساطیری و آدمیان نقش رابط را ایفا می‌کند. سوم آن‌که تلفظ درست‌تر نام خاص *Kypris* عبارت است از کوپریس (بنگرید به بند شماره ۲ از قسمت بررسی محتوایی)؛

۶. در صفحه‌های ۴۵۱-۴۵۳، نام‌ها یا عبارت‌هایی هست که عیناً بدون ترجمه درج شده‌اند. مانند *AnonymusIambilichi, DissoiLogoi* و *Protrepeticus of Iambilichus* (ص ۲۶۵-۲۶۶ از متن اصلی). ترجمه موارد نام‌برده عبارت‌اند از «دلایل دوگانه»، «یامبلیخوس ناشناس»، و «کتاب ترغیبیه اثر یامبلیخوس»؛

۷. در قسمت واژه‌نامه سه واژه بدون معادل فارسی و خارج از ترتیب حروف الفبا، فقط به صورت انگلیسی، درج شده است که عبارت‌اند از: Eidolon, dunamis و elenchus (ص ۷۴۷ از ترجمه). دو واژه نیز به همان صورت اصلی و بدون معادل در صفحه بعد آمده است که عبارت‌اند از: epimoric و tetraktus (ص ۷۴۸ از ترجمه). ترجمه واژه‌های نام برده عبارت‌اند از: «قوه / توان»، «تصویر»، «روش ابطال / آزمون»، «اپی موریک، نوعی تناسب» و «تتراکتوس / چهارتایی». سه واژه نیز در همین قسمت واژه‌نامه بدون معادل خارجی آمده است که عبارت‌اند از «آداب قهرمانی» (ص ۷۴۸)، «دیالکتیک»، و «رسالت ابطال سقراطی» (هر دو در ص ۷۵۳). معادل خارجی این اصطلاحات عبارت‌اند از: dialectic (ص ۴۵۷ از متن)، elenctic mission (ص ۴۵۸ از متن) و heroic code (ص ۴۵۹ از متن).

۶.۴ قرائت شتاب زده یا نادرست بعضی لغت‌ها و عبارتها

برخی کلمه‌ها را در ترجمه فارسی می‌بینیم که به نظر می‌رسد از نوعی شتاب در قرائت ناشی شده‌اند. متنها حاصل عبارت است از کلمه‌ها یا عبارت‌هایی که با متن اصلی سازگار نیستند و خلاف متن اصلی‌اند. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. عبارت ساختار اسقراپی (مدخل یان مولر، ص ۱۳) در ترجمه deductive structure (مدخل Jan Mueller، ص x). تعبیر موافق متن عبارت است از ساختار قیاسی؛
۲. کتاب *دموها: کشف آتیکای کلاسیک* (س ۲، ص ۱۴) در ترجمه *Demos: The Discovery of Classical Attika* (س ۱، ص xi). کلمه یونانی demos به معنی توده مردم / عوام است، در حالی که مترجم محترم آنرا جمع شمرد و به دموها ترجمه کرده است؛
۳. کلمه فیزیولوژیکی (س ۱۹، ص ۳۲) در ترجمه psychological (س ۹، ص ۲)؛ که تعبیر موافق متن روان‌شناختی است؛
۴. کلمه فیزیولوژی (عنوان فرعی در ص ۳۹۳) در ترجمه psychology (عنوان فرعی در ص ۲۲۸)؛ که لغت موافق متن روان‌شناسی است؛
۵. کتاب‌های *علیه ریاضیات* (س ۳، ص ۳۹۸) و *خطوط کلی مکتب فیرویی* (س ۵، ص ۳۹۸) در ترجمه دو عنوان *Adversus Mathematicos* (س ۶، ص ۲۳۱) و *Outlines of Pyrrhonism* (س ۷-۸، ص ۲۳۱) که هر دو از آثار سکستوس امپریکوس‌اند. ترجمه درست

نام کتاب نخست با توجه به معنای لغت یونانی mathematicos عبارت است از علیه دانشوران/ علیه اهل تعلیم. در عنوان کتاب دوم نیز کلمه Pyrrhonism به اشتباه مکتب فیروسی قرائت شده است که تعبیر موافق متن مکتب پیرونی/ مذهب پیرونی است؛

۶. اصطلاح «متناسب» (دو بار در س ۱۳ و ۱۴، ص ۴۶۷) در ترجمه incommensurable (دو بار در س ۳ و ۵، ص ۲۷۵). این اصطلاح در مواردی مانند نامتناسب یا نامتوافق بودن ضلع مربع با وتر آن به کار می‌رود. اما در ترجمه فارسی، به صورت کلمه «متناسب» درج شده است که معادل درست «نامتناسب» است؛

۷. نام فیثاغورث (س ۱۳، ص ۵۴۰) در ترجمه Protagoras (س ۳، ص ۳۲۴). عبارت «مربوط به فیثاغورث» (مدخل پروتاگوراس، ص ۷۵۰) در ترجمه Pertaining to Protagoras (مدخل Protagorean، ص ۴۶۱)، که تعبیر موافق متن «مربوط به پروتاگوراس» است.

۷.۴ ترجمه نامفهوم یا نادرست بعضی واژه‌ها و عبارات‌ها

ضمن ترجمه فارسی با بعضی واژه‌ها یا عبارات‌ها و جمله‌ها روبه‌رو می‌شویم که گاهی مبهم و نامفهوم و چه‌بسا نادرست‌اند. نمونه‌هایی از مورد نام‌برده عبارت‌اند از:

۱. «... بسیاری از ایزدهای شاعران با ... دریا یا زمین همانند گرفته می‌شدند ...» (س ۱۱-۱۲، ص ۳۲)؛

... many of the divinities of the poets were themselves identified with ... the sea or the earth

(س آخر از ص ۱ و س ۱-۲ از ص ۲ متن اصلی).

می‌بینیم که فعل were identified with به «همانند گرفته می‌شدند» ترجمه شده است، حال آن‌که با توجه به فرهنگ‌های اصیل می‌توان به معنای «یکی گرفتن / یک‌شمردن» نیز در برابر مصدر identify sth. With sth. پی برد. از سوی دیگر توجه به اساطیر یونانی که ستارگان و سیارات یا زمین و آفتاب و دریا و مانند آن را از ایزدان به‌شمار می‌آورند موجب خواهد شد که به ترجمه درست عبارت برسیم. ترجمه پیش‌نهادی: «بسیاری از ایزدهای شاعران، خودشان، ... با دریا یا زمین یکی گرفته می‌شدند»؛

۲. «... برخلاف پیشینیان اسطوره‌کننده خود ...» (س آخر از ص ۳۲ و س ۱ از ص ۳۳).

... as those of mythologizing preceders were not,

(س ۱۷-۱۸، ص ۲).

عبارت فارسی نامفهوم و مبهم است و به نظر می‌رسد به دلیل آن است که برابریابی دستوری انجام نپذیرفته است. در زبان فارسی رایج بی‌معنی است که برای انجام برخی موارد از مصدر «کردن» استفاده شود. مثل خانه کردن یا اسطوره کردن. ناگفته نماند که در متن اصلی نیز لغت precedessors غلط چاپی است و درست آن predecessors است. ترجمه پیش‌نهادی: «برخلاف پیشینیان اسطوره‌پرداز خویش ...»؛

۳. «... نیاز به مفهومی از امر آسمانی ... یکی از عناصری است که در مسیحیت‌زایی فلسفه یونانی تداوم یافت» (س ۱۳-۱۶، ص ۳۳).

... the demand for a conception of the divine ... is one of the elements which was taken over in the Christianization of Greek philosophy.

(س ۳۱-۳۵، ص ۲).

تعبیر «امر آسمانی» در این جا اساساً با توجه به کلمه the divine معنی مجازی است و به راحتی معنی حقیقی کلمه انگلیسی را نمی‌رساند. معادل مناسب همان معنی حقیقی الوهیت / امر الهی خواهد بود. اما مشکل دیگر در عبارت بعدی است و آن به دلیل ترجمه نادرست واژه Christianization به «مسیحیت‌زایی» است. مراجعه به فرهنگ‌های اصیل نشان می‌دهد که معنی کلمه انگلیسی عبارت است از «صبغه / رنگ مسیحی پذیرفتن». لذا منظور نویسنده روشن است و بر فلسفه یونانی که بعد از ظهور مسیحیت صبغه مسیحی می‌پذیرد دلالت دارد، در حالی که ترجمه مطلب را کاملاً وارونه کرده است. ترجمه پیش‌نهادی: «نیاز به مفهومی از الوهیت ... یکی از عناصری است که در مسیحی‌مآب شدن فلسفه یونانی غلبه یافت».

سه مورد نمونه‌ای که بیان شد از قسمت مقدمه ویراستار است و نشان می‌دهد که ترجمه فارسی ذهنیت‌هایی متفاوت با آنچه مقصود نویسنده است ارائه می‌دهد. برای پرهیز از طولانی شدن بهتر است به قسمت‌های دیگری از کتاب نظر افکنیم؛

۴. «این شرح‌های قرن چهارم پیش از میلاد... کم‌وبیش ایدئال کردن نابه‌هنگام وی هستند» (س ۸-۹، ص ۲۳۶).

... these fourth century accounts ... are more or less anachronistic idealizations.

(س ۲۲-۲۴، ص ۱۲۸).

اولاً در متن هیچ اشاره‌ای به پیش از میلاد وجود ندارد. لذا آوردن چنین تعبیری گویی فراتر رفتن از متن است که اعتباری ندارد. ثانیاً فضای بحث نشان می‌دهد که شرح‌حال‌هایی درباره فیثاغورث ساخته و پرداخته شده است که با حوادث واقعی زندگی فیثاغورث

مطابقت ندارند. اما تعبیر نامأنوس «ایدئال کردن نابهنگام» عبارت را مبهم ساخته است. از یک سو لغتی بیگانه در آن به کار رفته و از سوی دیگر کلمه نابهنگام به راحتی معنای لغت anachronistic را نمی‌رساند. تعبیر نابهنگام معانی زودتر/ دیرتر بودن از زمان خاص و ناگهانی بودن را در بر دارد و در این جا، معنای نخست مدنظر است. ترجمه پیش‌نهادی: «این گزارش‌های قرن چهارم... کم‌وبیش خیال‌پردازی‌های غیرمطابق با تاریخ [زندگی فیثاغورث] هستند»؛

۵. «... قلب نامتحرک واقعیت فراگیر ...» (س ۳، ص ۲۴۰).

... the unmoving heart of well-rounded realty ...

(نقل قول، س ۱-۲، ص ۱۳۱).

تعبیر «فراگیر» در ترجمه well-rounded نادرست است. پارمینیدس وجود را امری کامل می‌شمرد و اذعان دارد که بسط آن از مرکز تا پیرامون و از هر طرف یکسان است. از سوی دیگر باید ذهنیت یونانیان را مبنی بر کامل بودن شکل کروی به خاطر آوریم. باتوجه به این دو مطلب، آشکار می‌شود که پارمینیدس از کاملاً کروی بودن وجود واحد سخن می‌گوید. ترجمه پیش‌نهادی: «قلب نامتحرک واقعیت کاملاً کروی / گرد ...»؛

۶. «تعریف درست X نه تنها باید با X هم‌زیستی داشته باشد، بلکه ماهیت X را روشن کند

...» (دو سطر آخر، ص ۵۹۲).

The correct definition of x should not only be coextensive with x but illuminate the nature of x.

(س ۱۵-۱۶، ص ۳۵۷).

ابهام و نادرستی عبارت در به‌کاربردن لغت هم‌زیستی ریشه دارد. شاید مترجم در قرائت دچار شتاب شده و آن را coexistence خوانده و به «هم‌زیستی» ترجمه کرده‌اند. نیز مشکل اصلی به علت کم‌توجهی به فضای جمله است که از مقام تعریف/ مفهوم و مقام متعلق تعریف/ مصداق صحبت می‌کند. باتوجه به اصطلاحات منطقی مفهوم (intention) و مصداق (extension) راحت‌تر می‌شود به مقصود نویسنده دست یافت. در واقع نویسنده از انطباق یا مساومت میان تعریف X با خود X سخن می‌گوید. ترجمه پیش‌نهادی: «تعریف درست X نه تنها باید با خود X انطباق داشته باشد، بلکه حقیقت X را هم باید تبیین نماید»؛

۷. «اگر مشخص کنیم که تشنگی (همانند گرسنگی) ناشی از کاهش منابع فیزیکی

انسانی اما اجتناب از محاسبه‌ای منطقی است، آن گاه می‌توانیم تمنای او را ناشی از

خردش بدانیم. (c2-e3) علاوه بر این، باید روحش را از هر دو جدا کنیم: انسانی می‌تواند از تمنای خود عصبانی باشد یا خردش عصبانیتش را محکوم کند» (س ۸-۱۲، ص ۶۵۹).

If we specify that the thirst arises (like hunger) from physical depletion, but the refusal from rational calculation, we can distinguish his appetite from his reason (c2-e3). Further, we must separate his spirit from both: a man may be angry with his appetites, or his reason may condemn his anger.

(س ۱۲-۱۶، ص ۴۰۰).

فضای بحث مربوط است به استدلال افلاطون درباره وجود اجزای سه‌گانه نفس. مطلب اصلی که وی بدان استناد دارد عبارت است از وجود سرچشمه‌های متقابل برای خواهش‌ها (desires). با این مقدمه می‌توان چندین نکته نامفهوم و نادرست در ترجمه تشخیص داد:

الف) خلط مهمی که رخ داده است عبارت است از توجه اندک به اصطلاحات خاص افلاطون برای وجود اجزای سه‌گانه نفس. همین امر سبب شده است که مترجم محترم کلمه appetite را هم مانند واژه desire به لغت «تمنا» ترجمه کنند که در این‌جا نادرست است. لفظ appetite در علم‌النفس افلاطونی اصطلاح خاصی است برای جزء یا قوه شهویه. چنین خلطی در مورد کلمه‌های soul و spirit هم رخ داده است و مترجم هردو را به کلمه «روح» ترجمه کرده‌اند. مثلاً در سطر ۶ از همان صفحه ۶۵۹، کلمه soul به‌درستی به روح ترجمه شده است، اما لغت spirit به‌عنوان اصطلاح خاص افلاطونی بر جزء یا قوه غضبیه از نفس دلالت دارد؛

ب) برخی عبارتهای متن نیز نامناسب یا نادرست ترجمه شده‌اند. منظور ترجمه عبارتهای physical depletion به «کاهش منابع فیزیکی» و rational calculation به «محاسبه‌ای منطقی» و ترجمه فعل distinguish به «ناشی‌بودن» است. عبارت نخست بر تخلیه یا کاهش مواد غذایی بدنی اشارت دارد. در عبارت دوم، به‌جای منطقی باید معنای عام عقلی / عقلانی جای‌گزین شود. اصطلاح منطقی به‌طور خاص در متن فلسفی معادل مناسبی است برای کلمه logical. فعل distinguish هم به‌معنای «جداکردن / تمیزدادن» است. تعبیر «اما اجتناب از» هم به‌دلیل همراه‌نبودن با قرینه‌ای مبهم می‌نماید. طبق متن، قرینه عبارت است از نوشیدن آب.

ترجمه پیش‌نهادی: «اگر مشخص کنیم که تشنگی (مانند گرسنگی) به‌موجب کاهش ذخیره بدنی است، اما پرهیز از [نوشیدن آب]، به‌خاطر محاسبه‌ای عقلانی است،

در این صورت شهوت وی را می‌توانیم از عقلش تمیز دهیم (e2-e3). به علاوه، قوه غضبیه را نیز باید از آن دو جدا سازیم: ممکن است شخصی از دست شهواتش خشمگین باشد یا ممکن است عقل وی خشمش را سرزنش کند».

۵. نتیجه‌گیری

طبق آنچه به‌طور گزینشی از ترجمه فارسی تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون به قلم آقای حسن مرتضوی تحت دو عنوان صوری و محتوایی بررسی شد، می‌توان به‌طور نسبی نتیجه گرفت که مواردی چون شتاب‌زدگی در قرائت برخی کلمه‌ها، توجه کم به فضای فکری و کلی مباحث، آشنایی ناکافی با بعضی تعالیم فیلسوفان یونانی، و ویرایش نشدن متن ترجمه از دلایلی است که همگی دست‌به‌دست هم داده و برخی سهوها یا آسیب‌ها را در ترجمه فارسی اثر پدید آورده‌اند. نتیجه مطلق نیست، اما شواهد ذکر شده نمونه‌هایی از ترجمه اثر مورد بررسی‌اند و به‌صورت نسبی وضعیت حاکم بر آن را نشان می‌دهند. نگارنده این نوشته دغدغه آن را دارد که ادب را فرونگذارد و بر حوزه سلیقه شخصی نیز وارد نشود. امید است در مطالب گفته‌شده، دو سه نکته مفید یافت شود و چه‌بسا مترجم محترم را در ویرایش نوین اثر خویش یاری رساند.

کتاب‌نامه

- افلاطون (۱۳۶۶)، مجموعه آثار افلاطون، ترجمه محمدحسن لطفی و رضا کاویانی، تهران: خوارزمی.
- تایلور، سی سی دبلیو (۱۳۹۰)، تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون، (جلد یکم)، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: نشر چشمه.
- تیلور، س س و (۱۳۹۲)، تاریخ فلسفه غرب: از آغاز تا افلاطون، ترجمه حسن فتحی، تهران: حکمت و مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- صفوی، کورش (۱۳۷۱)، هفت گفتار درباره ترجمه، تهران: کتاب‌ماد.